

حزب مردم و بحران ویرانگر

رفقای عزیز، اعضای حزب مردم افغانستان!

وقایع اخیر و پیامدهای حاصله از پلینوم شورای مرکزی حزب مردم، واقعیت‌ها را بیشتر و روشن‌تر برملا ساخت. دیدیم که سوال حل‌نشده‌ای رهبری و "اطاعت!" از فیصله پلینوم، رفقای ما را به کجا کشانید. چه وقت ما از این تجارب تلخ، درس‌های شیرین می‌گیریم؟

چنانچه اشخاص و حلقات مشخصی از اولین روزهای آغازین پروسه وحدت، گام‌های رابر ضد وحدت برداشتند، چون خود و نقش خود را در آن کم‌رنگتر می‌یافتند، در ظاهر با وحدت سر می‌جنبانیدند و در خفا رندانه آنرا تخریب می‌کردند و توانستند پروسه وحدت میان متحد ملی و نهضت را به شکست مواجه سازند. عده‌ای نیز متأسفانه در کار پلینوم شورای مرکزی با طرح توطئه، بازیریا نمودن فضای رفیقانه و غیر دموکراتیک باعث ایجاد چنین فضای غیر رفیقانه و بحران ویرانگر در حزب مردم افغانستان گردیدند.

با درد و دریغ طوفان ویرانگر این حزب تازه بنیاد را چنان فرا گرفته است که به مشکل میتوان باور کرد، در صورت عدم تدابیر دلسوزانه، حزب ما، با سلامت از این ورطه بیرون آید زیرا اقدامات اخیر و یکجانبه، بیانگر نابسامانی‌های بیشتر و زمینه ساز عدم باورمندی و اعتماد میان رفقا گردیده، بروخامت فضای مستولی بر حزب می‌افزاید، که جدأز هر اقدام و عملی که باعث ایجاد فضای غیر رفیقانه گردد جلوگیری بعمل آید.

اوضاع سیاسی در کشور و وضعیتی که، مردم ما هر روز بیشتر از روز قبل در آن شکسته و شکسته‌تر میشوند، این جفای بزرگی خواهد بود که اگر ما ادعای دست‌گیری مردم را داشته باشیم و حزب مردم تشکیل داده ایم در حالیکه خود در زور گویی‌ها، اقتدار گرایی‌ها، خود محوری‌ها و شکسته شدن‌ها غرق بوده حزب را درگیر بحران و ویرانگری نماییم، به یقین تاریخ هیچگاه، هیچ‌یک از رهبران و کادرهای فعال در این عرصه را نمی‌بخشد.

از آنجائیکه انشعاب و انقطاب خواست و آروزی تعداد محدود و انگشت شمار، در حزب میباید بنا باید با تمام قدرت جلو آنرا گرفت و حزب را از بحران ویرانگر جاری هرچه زودتر نجات داد. اگر ما نتوانیم خود و حزب خود را از بحران نجات دهیم چطور ممکن است ناجی مردم شویم! آیا مردم با این وضعیت آشفته ما بر ما اعتماد خواهند کرد؟

رفقا عزیز!

اتفاقات و جریانات کنگره مانند آفتاب روشن است، کنگره شروع عالی، ختم و ادامه کاملاً تراژید داشت. این یک واقعیت است که نمی‌توانیم منکر آن گردیم. و حتماً برای آنانیکه چنین دوگانگی را برنامه ریزی کرده بودند یک جشن، بزرگ باشد. بنا بر ماست تا جلو سازماندندگان این بازی شیطانی را که هر روز سازمان سیاسی ما را بجای بزرگ شدن کوچک و کوچکتر میسازند، گرفته حزب را از دو دستگی و انقطاب نجات دهیم.

بنأ یکبار دیگر به رهبران، کادرها، فعالین و همه اعضای متعهد به وحدت درون سازمانی، مراجعه میشود تا با اعتراض و احتجاج علیه وضعیتی که ناخواسته بر سازمان ما تحمیل شده است، نقش و رسالت خود را بجا کنند. در غیر آن مردم چشم براه، نسل آینده و تاریخ قضاوت دیگر از ما خواهند داشت.

رفقا! باید ریشه‌های این بحران طوفانرا را چه در داخل و خارج از کشور جستجو نموده از آنها، پرسش بعمل آید، کجای این حرکت و این پارچگی به نفع اوضاع جاری کشور است؟ که به نفع حزب مسلماً نمیباشد. شما از این پروژه تان چه انتظار سازنده ای دارید؟ مگر میشود انتظار سازنده داشت؟

رُخ تقاضا و خواهش من باد نظر داشت خواست و پیشنهادهای مکرر جمع بزرگ رفقا، در قدم اول به رهبران داخل کشور (رفقا بزرگ و راوش)، اعضای شورای مرکزی که عضویت شورای مرکزی را نه

فقط افتخار بل مسئولیت می پندارند ، در قدم دوم متوجه کادر ها فعالین و اعضای وحدت خواه می باشد؛ اگر شما رهبران نتوانید یا نخواهید طی یکماه تدابیر و اقدامات لازم را (از جمله تدویر پلینوم فوق العاده) برای رفع بحران موجود در سازمان را بگیرید، آنگاه ما خود باید با مشوره باهم تدابیر مشخصی را برای بیرون رفت از بحران روی دست گرفته و بخاطر تامین وحدت نه تنها در درون سازمان بلکه با سایر نیروهای ملی و دموکرات در قدم اول با احزاب همسو اقدامات عملی را انجام بدهیم.

رفقا؛

ما شگوفان و درخشان نخواهیم شد مگر آگاهانه حرکت نمائیم و همسویی را برگزینیم و همدیگر را رفیقانه بپذیریم، اعتماد کنیم و یاری رسانیم. ما خوب میدانیم که افغانستان کوچک دارای مشکلات بزرگ است. ولی باید اعتراف کنیم که مشکلات ما کلان است و توان ما کوچک و قطره ای بیش در بحر بیکران مسایل افغانستان نمیباشیم. مشکل دیگر اینکه هر مزدوری خود را ناجی خلق و رهبر مملکت می پندارد و ما، رانده شده از متن به حاشیه زمین معادلات سیاسی، در داخل کشور.

پیروزی ما در وحدت ماست

سید عسکر نجم

برلین 21/10/2012